

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۶ فبروری ۲۰۲۰

پسمانه نگاه

دیدم کفنه بودم، آن ظلم جن کار
هر تازه ای که بیند، میکرد دلاطلبکار
کر از قضا پیدار، دلداده جدیدی
از کهنه ها که ریزا، بر تازه ها خسیدار
تانور کاذب او، تلمید بر شب من
نازش بجان خریدم، بفروخت پا به خوار
هر بار نفت جان را، دادم به احتیاش
بالا گرفته کردش، در زیر پای اغیار
با کمروناشناسی، با رنگ اندازی
نیزک و ناپاسی، هر خطه دادم آزار
تا آسمان شرش، کم کم ستاره باران
با آفتاب و مهتاب، فوراً شدی به پیکار
باتیغ غم بریدم، تا تار و پودش از دل
دیدم نشانه عشق، ناله شدی پدیدار
که گاهی از حدت، بر صفحه حریفان
از کج، نوشته ها و، پیغام پرز اسرار
پسمانه نگاهم، بشکت از عتاش
بی باده مستی اش را، رسماً نمود اقرار
شد خامه ام به جولان، از مکر آن جناح
افسار خود شستن را، تا می ندارد انگار
بر دفتر زمانه، با مهر و باناشانه
شد ثبت، ماحرانه، از دید هر وطندار
از نقد شور «نعمت»، کام ادب شکرزا
وز شمس سفته بایش، فی بویگان کبربار